

تطبیق ویژگی‌های متنی و فرامتنی در اقتباس: بررسی موردی ترجمهٔ رمان غرور و تعصب

مصطفی مرادی مقدم^{۱*}، بهزاد قنصولی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۸

دریافت: ۹۰/۸/۲۳

چکیده

ترجمه‌های ادبی همگام با درنظر گرفتن ماهیت تعاملات پیش رفته است و فرایندهایی مثل «شفاف‌سازی» و «اقتباس» به دلیل مورد توجه قرار دادن مخاطب و فصاحت کلام در ترجمه، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. با وجود این، جایگاه اقتباس و تأثیر آن در ترجمه‌های ادبی مبهم مانده است. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا ویژگی‌های متنی و فرامتنی که در فرایند اقتباس وجود دارد در ترجمه آثار ادبی نیز مشاهده می‌شود و اگر پاسخ مثبت است، فراوانی کدامیک از روش‌های اقتباس در ترجمه آثار ادبی بیشتر است. این‌ها سؤال‌هایی هستند که در این نوشتار بررسی شده است. این پژوهش درصدد است تا بر اساس طبقه‌بندی باستین (2009)، به بررسی روش‌های اقتباس در ترجمه فارسی رمان غرور و تعصب بپردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد مترجم برای انتقال بهتر پیام نویسنده و برای حفظ زیبایی و تأثیرگذاری کلام، از ویژگی‌های متنی و فرامتنی اقتباس استفاده کرده است؛ درحالی که کفه ترازو بیشتر بر مشخصه‌های فرامتنی سنگینی می‌کند. همچنین، در عین حال که مترجم در ترجمه متن امانت را رعایت کرده، به ترتیب از روش‌های «برابری بافتی» و «بسط» بیشتر استفاده کرده است. به بیان دیگر، مترجم در برگردان متن معنا را حفظ کرده؛ ولی برای ایجاد زیبایی کلام، اقتباس ضروری است.

واژه‌های کلیدی: اقتباس، ترجمه ادبی، شفاف‌سازی، آثار ادبی، ویژگی‌های متنی و فرامتنی، رمان غرور و تعصب.

Email: mostafa_morady@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تبریز، بلوار ۲۹ بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، گروه آموزش زبان انگلیسی،

کد پستی ۵۱۶۶۶۱۶۴۷۱



۱. مقدمه

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در مطالعات ترجمه، اقتباس یا همانندسازی^۱ است. باستین^۲ (2009) بیان می‌کند که پیچیدگی این فرایند از آنجاست که برخی اقتباس را به‌عنوان روش ترجمه قبول ندارند. اقتباس «معادل‌یابی تقریبی میان مضمونی در زبان مبدأ و مضمونی مشابه و یا نزدیک به آن در زبان مقصد که تأثیری مشابه در ذهن خواننده دارد» (کمالی، ۱۳۸۷: ۸۱) تعریف شده است. توجه به مخاطب و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی ملتها، مترجمان را به استفاده از فرایند اقتباس تشویق می‌کند تا بتوانند در ترجمه خود نهایت شفاف‌سازی را به‌کار بندند. سندرس^۳ (2006) بین اقتباس و «اختصاص»^۴ تمایز گذاشته است و عقیده دارد در فرایند اقتباس، مفاهیمی مثل حذف، بازنویسی و افزایش اهمیت دارند؛ این مفاهیم نیز در سایه توجه به «ماهیت اثر» لحاظ می‌شوند. ریگ^۵ (1991) معتقد است در نظر گرفتن مخاطب و نیازهای او در نوشتار نقش مهمی در برقراری تعاملی مؤثر دارد. در روش اقتباس، مترجم از قالب ترجمه کلمه‌به‌کلمه خارج می‌شود و به ترجمه آزاد روی می‌آورد.

اقتباس دوران طلایی خودش را از فرانسه آغاز کرد و بر این اصل استوار است که متن ترجمه‌شده باید با سلیقه و فرهنگ زبان مبدأ هماهنگ باشد و به این موضوع که این عمل ممکن است در معنای متن اصلی تأثیر بگذارد توجهی نمی‌شد. توجه به برقراری ارتباط مؤثر باعث شد فرایند ترجمه در دوره شکوفایی روش اقتباس با دوباره نوشتن متن برای مخاطب جدید برابر باشد (Vinay & Darbelnet, 1958). از دیدگاه کمالی (2008)، برای رسیدن به این مقصود، مترجم متن را در بافتی جدید بازنویسی می‌کند تا بتواند به بهترین نحو پیام متن را به خواننده انتقال دهد. برای مطالعه این فرایند، پژوهش حاضر در نظر دارد تا با بررسی جمله‌به‌جمله ترجمه رمان *غرور و تعصب* بر اساس طبقه‌بندی باستین (2009)، روش‌های به‌کارگیری اقتباس در متن‌های ادبی را مرور کند. مقاله پیش‌رو به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهد: - آیا ویژگی‌های متنی و فرامتنی موجود در فرایند اقتباس، در ترجمه آثار ادبی نیز مشاهده می‌شود؟

- فراوانی کدامیک از روش‌های اقتباس در ترجمه آثار ادبی بیشتر است؟

۲. پیشینه تحقیق

در حوزه ترجمه، تحقیقات زیادی از اقتباس در دست نیست که خود، نیازمند تأمل و

بسترسازی بیشتری است؛ زیرا همان‌طور که خاوری بیان می‌کند «هیچ ترجمه زیبایی بدون... اقتباس امکان‌پذیر نیست.» (۱۳۸۳: ۸۳). از دیدگاه تیلور^۶، معیار این نیست که ترجمه به‌طور کامل به متن وفادار باشد؛ بلکه مخاطب‌پسند بودن و انتقال شفاف معانی اهمیت بسزایی دارد (71: 1997). در همین باره، گویلمن^۷ و همکاران (1993) بر این عقیده‌اند که اقتباس می‌تواند تا حد زیادی از مشکلات ترجمه متن در فرهنگ‌های مختلف بکاهد. این محققان به این نتیجه رسیدند که اگر از دو مترجم مستقل برای برگردان متن استفاده شود، مشکلات ترجمه و فهم متن تا اندازه زیادی کاهش می‌یابد. فهم در تحقیقی ضمن تمایز قائل شدن بین ترجمه و اقتباس، می‌گوید «در ترجمه، هدف، برابری زبانی بین زبان مبدأ و زبان مقصد است، ولی در اقتباس هدف، بومی‌سازی و برابری زبانی و فرهنگی می‌باشد.» (فهم، ۱۳۸۵: ۷۹). البته، به این نکته باید اذعان کرد که اقتباس فنی از ترجمه جدا نیست. همان‌طور که خاوری اشاره می‌کند، اقتباس جزء جداناپذیر ترجمه است و در حفظ زیبایی متن ترجمه‌شده تأثیر زیادی دارد. جوادپور و زارع (2009) در رویکردی نوین به ترجمه اشعار کلاسیک انگلیسی به این نتیجه رسیدند که بهتر است در ترجمه شعر از رویکردهای سبک‌شناسی، علمی و تفسیری شعر اصلی استفاده کرد که تأکیدی بر جداناپذیری اقتباس و ترجمه است. خاوری در حمایت از اقتباس این‌گونه گفته است:

وفاداری مطلق در ترجمه، فقط یک تخیل است. باید بین ترجمه قالب که باعث می‌گردد معنی اقتباس شود، و بازگویی معنی بدون وفاداری به قالب، یکی را انتخاب کرد، ولی چه بهتر که بشود پلی میان این دو برقرار کرد. کار مترجم این است که هم درون متن باشد و هم بیرون از آن... ترجمه یعنی خلاقیت (۱۳۸۳: ۹۴).

در این تحقیق سعی شده تا بر اساس نظریه باستین (2009)، پلی بین ویژگی‌های متنی و فرامتنی ترجمه برقرار شود که به مترجم این امکان را دهد تا بین فضای درون و بیرون متن حضور داشته باشد.

۳. مفاهیم و مبانی نظری

ماهیت اقتباس با روح «پسامدرن» سازگاری دارد؛ از آنجا که توجه اصلی در اقتباس به «محلی‌سازی»^۸ مفاهیم اختصاص یافته است و از این راه تلاش می‌شود فرهنگ و موقعیت زبان مقصد ارج نهاده شود و عقاید فرهنگی با ایدئولوژی مصرف‌کنندگان کالاهای فرهنگی تطبیق داده شود. مدل «کاربردی ترجمه» موسوم به functional-pragmatic که توسط



هاوس^۹ (2001) ارائه شده است نیز بر جایگاه اقتباس بیش از پیش تأکید می‌کند. در این مدل، مفهوم «فیلتر فرهنگی»^{۱۰} بیان شده است که ترجمه را در قالب شاخص‌های اجتماعی بررسی می‌کند. تاکنون، مطالعات متعددی در حوزه اقتباس انجام شده است (Zatlin, 2005; Upton, 2000). به این نکته باید اذعان کرد که جایگاه اقتباس از قلمرو ترجمه فراتر رفته و آزمون‌سازی را نیز دربر گرفته است (Allalouf & Hanani, 2010). بر اساس این تحقیق، مقایسه منطقی دو نمونه از آزمونی مشابه در زبان‌های مختلف زمانی امکان‌پذیر است که بر اساس اطلاعات «روان‌سنجی» صورت گیرد. با وجود این، تاکنون پژوهشی مبنی بر تأثیر اقتباس در آثار ادبی انجام نشده است. رمان غرور و تعصب از شاهکارهای ادبیات جهان است و این ظرفیت را دارد که از زاویه‌های مختلف بررسی شود.

۳-۱. طبقه‌بندی تعریف‌های اقتباس

در حوزه مطالعات ترجمه، تعریف‌های متعددی برای اقتباس ذکر شده است که می‌توان آن‌ها را در چهار گروه با مضمون ویژه طبقه‌بندی کرد (Bastin, 2009: 4-5).

۳-۱-۱. اقتباس، ابزار ترجمه

به عقیده وینه و داربلنه (1958)، در موقعیت‌هایی که از لحاظ فرهنگی بافت زبان مبدأ با بافت زبان مقصد متفاوت است و مترجم ملزم به بازسازی در ترجمه می‌شود، اقتباس صورت می‌گیرد. در این تعریف، اقتباس زمانی استفاده می‌شود که فرهنگ زبان مبدأ و زبان مقصد با هم یکسان نباشند. فرهنگ همیشه چارچوبی برای استفاده از زبان است؛ به این معنا که فرهنگ، محدودیت‌های زبانی (برای مثال، روش صحبت کردن در محیط رسمی با غیررسمی متفاوت است) برای افراد به وجود می‌آورد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در ترجمه از زبانی به زبان دیگر، موضوعات فرهنگی، و رای ساختار زبانی - هنگامی که نظام فرهنگی زبان مبدأ و زبان مقصد تضادهای بسیاری با هم داشته باشند - ممکن است مشکلاتی برای مترجم ایجاد کند. بنابراین، نیاز است تا مترجم بر اساس ارزش‌های فرهنگی و با حفظ معنای متن مبدأ، در بافتی آشناتر به فرهنگ زبان مقصد به برگردان متن بپردازد.

۳-۱-۲. اقتباس در قالب ژانرهای مشخص

باستین (2009) بیان می‌کند که اقتباس گاهی به‌عنوان روش ترجمه در ژانرهای خاص مثل «نمایش‌نامه‌ها» به‌کار می‌رود. در نظر این محقق، در ترجمه نمایش‌نامه‌ها بیشترین میزان اقتباس دیده شده است. برای طبیعی جلوه دادن هرچه بیشتر نمایش‌نامه‌ها، فرایند اقتباس یکی از ابزارهای پرکاربرد در ترجمه است (Santoyo, 1989). اقتباس در ژانرهای کودکان و ژانرهای مربوط به عناوین روزنامه‌ها نیز کاربرد دارد. این دسته جزء گروه «جامعه‌شناسی زبان» قرار می‌گیرند که در آن، ویژگی‌های زبانی بر اساس شاخص‌های فرهنگی زبان مقصد تعریف می‌شوند. گاهی، نام‌ها در فرهنگ‌های گوناگون مفاهیم مختلفی دارند. برای نمونه، شرکت «جنرال موتور»، خودرویی به نام Nova به بازارهای کشورهای آمریکای لاتین عرضه کرد. مشکل اینجا بود که در کشور اسپانیا این واژه معنای «حرکت نکردن» را داشت (Richards, 2005). بنابراین، فروش این خودرو در اسپانیا ممکن است تحت تأثیر این اختلاف زبانی قرار گیرد. در این حالت، تفاوت‌های زبانی می‌تواند تأثیر بسزایی در افراد داشته باشد. مطالعات ژانر-بنیاد در حوزه‌های پژوهشی اهمیت خاصی پیدا کرده است. یکی از دغدغه‌های اصلی در این مطالعات، یافتن اهداف مورد نظر مخاطب است (Swales, 1990). برای مثال، ممکن است این سؤال مطرح شود که در بافت نامه‌های اداری، اهداف نویسنده چه تأثیری در نوشتار او خواهد داشت.

۳-۱-۳. اقتباس در بافت‌های فرازبانی

در این گروه، اقتباس زمانی انجام می‌شود که محتوای متن مورد نظر راجع به خود زبان باشد. برای مثال، ترجمه کتاب‌های مرتبط با حوزه زبان‌شناسی در این گروه قرار می‌گیرند. بر اساس گفته نیومارک^{۱۱} (1981)، اقتباس باید بر اساس ارزیابی مترجم از دانش خواننده متن مبدأ صورت گیرد. در همین باره، کاسریو^{۱۲} (1977) بیان می‌کند که این نوع اقتباس به «کاربرد» توجه بیشتری دارد تا به «ساختار».

۳-۱-۴. اقتباس و امانت در ترجمه

برخی پژوهشگران بر این نظرند که اقتباس برای وفادار ماندن به متن مبدأ، شرط لازم است که رعایت نکردن آن باعث می‌شود متن ترجمه‌شده سلیس بودن خود را از دست بدهد. با



توجه به شاخص‌های زبانی و فرهنگی متفاوت در زبان‌ها، می‌توان فهمید که این موضوع خیلی دور از واقعیت به نظر نمی‌رسد. قدر مسلم آن است که در زبان‌ها موقعیت‌هایی پیش می‌آید که مترجم لازم است تغییراتی در متن ترجمه‌شده بدهد تا بتواند پیام متن مبدأ را به خوبی به مخاطب خود منتقل کند.

۳-۲. شرایط اقتباس

از دیدگاه باستین (2009)، عوامل و شرایط مختلفی باعث می‌شود مترجم در ترجمه متن از اقتباس استفاده کند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. نقص ساختار بین‌زبانی:^{۱۳} اغلب پیش می‌آید که کلمات یا ساختارهای دستوری در بین دو زبان مقصد و مبدأ هماهنگ نیستند و نیاز است که مترجم از اقتباس استفاده کند.
۲. بافت و فرهنگ نامتناظر:^{۱۴} تفاوت‌های فرهنگی همواره کار مترجمان را با مشکل روبه‌رو کرده است؛ زیرا بافت موجود در زبان مبدأ با فرهنگ زبان مقصد متفاوت است.
۳. تغییر ژانر:^{۱۵} علاوه بر تفاوت‌های زبان‌شناختی و فرهنگی، تغییر نوع بافت نیز می‌تواند در ماهیت ترجمه اثرگذار باشد. برای مثال، متنی که در بافت بزرگسالان نوشته شده است، برای برگردان آن به بافتی که کودکان مخاطب آن هستند، به تغییرات زیادی نیاز دارد که اقتباس می‌تواند ابزار قدرتمندی در این زمینه باشد.

۴. اختلال در فرایند ارتباط:^{۱۶} مخاطب نیز در برگردان متن تأثیر بسیاری دارد. گاهی به دلیل تفاوت بین مخاطبان لازم است سبک و ماهیت ترجمه اصلاح شود تا نیازهای مخاطب در زبان مقصد برآورده شود.

هرکدام از این شرایط و عوامل می‌تواند به استفاده از دو نوع اقتباس منجر شود: «اقتباس متنی» و «اقتباس فرامنتی». نوع اول اقتباس، به علت تفاوت‌های زبان‌شناسی دو فرهنگ اتفاق می‌افتد و به کلمات و قواعد دستوری متن مربوط می‌شود. در نوع دوم اقتباس، ویژگی‌های فرامنتی و فرازبان‌شناختی مترجم را به استفاده از روش‌های جهان‌شمول اقتباس تشویق می‌کند که در ادامه به آن پرداخته‌ایم.

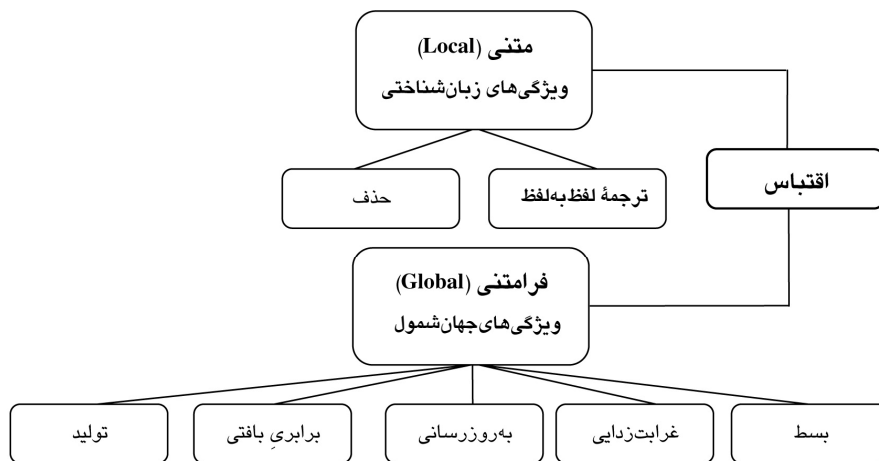
۳-۳. روش‌های اقتباس در ترجمه

بر اساس طبقه‌بندی باستین (2009)، می‌توان با مقایسه فرایند اقتباس و نوع آن در متن‌های

ادبی ترجمه‌شده با محتوای متن مبدأ، روش‌های اقتباس به‌کار گرفته‌شده در ترجمه‌های ادبی را شناسایی کرد. باستین هریک از روش‌های موجود در شکل شماره یک را به‌صورت زیر تعریف کرده است:

- رونویسی از اصل:^{۱۷} ترجمه لفظ به لفظ؛
- حذف:^{۱۸} حذف کلمه یا عبارتی از متن مبدأ؛
- بسط:^{۱۹} شفاف ساختن مفاهیم انتزاعی و مبهم که معمولاً به طولانی‌تر شدن ترجمه در مقایسه با متن مبدأ منجر می‌شود؛
- غرابت‌زدایی:^{۲۰} جایگزین کردن زبان عامیانه، لهجه و کلمات نامتعارف در متن اصلی با معادل‌های آن‌ها در زبان مقصد؛
- به‌روزرسانی:^{۲۱} جایگزین کردن کلمات منسوخ و قدیمی با معادل‌های جدید آن‌ها؛
- برابری بافتی:^{۲۲} استفاده از بافت‌های آشنا در زبان مقصد به‌جای بافت اصلی در متن مبدأ؛
- تولید:^{۲۳} جایگزینی یکپارچه متن مبدأ با متنی که فقط موضوع اصلی متن مبدأ را شامل شده است.

به‌طور کلی، روش‌های مختلف اقتباس را بر مبنای دو نوع اصلی آن در شکل زیر می‌توان نشان داد:



شکل ۱ ویژگی‌های متنی و فرامتنی در فرایند اقتباس



به گفته کمالی، «محتوای معنایی هر پیامی را می‌توان به صورت‌های بیانی گوناگون ارائه کرد.» (66: 2008). برای این کار نیاز است مترجم در زبان مقصد دانش زیادی داشته باشد تا بتواند بهترین صورت بیانی فراخور جمله را به‌دست آورد تا خواننده را مجذوب کند.

۴. روش تحقیق

در این پژوهش، شصت بند از رمان *غرور و تعصب* نوشته جین اوستن به‌صورت تصادفی انتخاب شد تا بتوان با بررسی جمله‌به‌جمله دو ترجمه فارسی آن به کوشش شمس‌الملوک مصاحب (۱۳۷۶) و رضا رضایی (۱۳۸۵)، روش‌های اقتباس را در متن ترجمه‌شده بررسی کرد و دریافت که در ترجمه رمان کدام روش اقتباس کاربرد بیشتری دارد. تعداد کلمات موجود در این بندها بین صد تا دویست کلمه متغیر است که با استفاده از پردازشگر word محاسبه شد. برای یافتن روش‌های اقتباس از طبقه‌بندی باستین (2009) استفاده کردیم. در مجموع، ۸۹۹۵ واژه و ۴۵۷ جمله و عبارت را بررسی کردیم تا بتوانیم روش‌های فرایند اقتباس را به‌دست آوریم. برای طبقه‌بندی جمله‌ها، معنای آن‌ها را با متن مبدأ مقایسه کردیم و بر اساس ماهیت ترجمه متن، در زیرمجموعه مربوط به خود قرار دادیم. برای مثال، جمله‌های بزرگتر به قسمت‌های کوچکتر شکسته، و ترجمه این قسمت‌ها بررسی شد تا بر اساس ماهیت ترجمه (متنی یا فرامنتی)، روش‌های اقتباس به‌کاررفته در ترجمه فارسی رمان شناسایی شود. در پایان، فراوانی هریک از روش‌های اقتباس را محاسبه کردیم و کاربرد هر روش را توضیح دادیم.

۵. بحث و بررسی

برای بررسی جامع‌تر روش‌های اقتباس، هر دو سطح «متنی» و «فرامنتی» در بندها بررسی شده است. بدین منظور، جمله‌های بزرگتر به قسمت‌های جزئی‌تر شکسته شد تا بررسی آن‌ها دقیق‌تر شود. در ترجمه فارسی عبارت‌ها، در سطح متنی، از هر دو روش «رونویسی از اصل» و «حذف» استفاده شده است. برای نمونه، مواردی را ذکر می‌کنیم:

“When this information was given...” (Austen, 2007: 65).

«وقتی این اطلاعات داده شد...» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

ترجمه فارسی عبارت بالا دقیقاً برگردان آن به‌صورت لفظ‌به‌لفظ از متن مبدأ است. ضمیر «this» در متن مبدأ نیاز به شفاف‌سازی دارد و برگردان فارسی آن که «این» ترجمه شده،

برای خواننده مبهم است و نیاز به توضیح بیشتر دارد. این‌گونه ضمیرها «دارای مرجع پسگرا»^{۲۴} در زبان‌شناسی نام‌گذاری می‌شوند که برای فهم آن‌ها باید به «مرجع ضمیر»^{۲۵} آن‌ها رجوع کرد. در اینجا ضمیر *this* با توجه به اطلاعاتی که در جمله‌های قبلی آمده، تعریف می‌شود؛ ولی مترجم در این عبارت از ترجمه لفظ به لفظ استفاده کرده است.

از دیگر روش‌های متنی، حذف بخشی از عبارت در متن مبدأ است. مترجم از این روش نیز برای برگردان ضمیرهایی مانند «*his*» و «*her*» استفاده کرده است. در زبان فارسی برای این دو جنسیت، ضمیر متفاوت وجود ندارد و در متن، هر دوی آن‌ها با ضمیر «او» بیان می‌شود؛ ولی در زبان انگلیسی با توجه به جنسیت مورد نظر، از ضمیرهای مخصوص خود استفاده می‌شود. همین امر باعث شده است امکان ابهام در جملات ادبی ترجمه‌شده فارسی بیشتر شود؛ زیرا مرجع ضمیر «او» مشخص نیست و در متن معمولاً مرجع ضمیر ذکر می‌شود و ضمیر حذف می‌شود.

“Mr Collins was at leisure to look around him and admire...” (Austen, 2007: 65).

«آقای کالینز با فراغ بال به نگاه کردن به اطراف و تحسین و تمجید پرداخت...» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

همان‌طور که در ترجمه فارسی عبارت دیده می‌شود، کلمه «*him*» در ترجمه فارسی حذف شده؛ زیرا مرجع آن (آقای کالینز) در ابتدای جمله آمده است. در قسمت دیگری از متن، همین روش برای حذف ضمیر انعکاسی «*himself*» در ترجمه فارسی به کار رفته است؛ زیرا مرجع آن در ابتدای جمله آمده و نیازی به ذکر دوباره این ضمیر نیست. اما در ساختار انگلیسی آن، بعد از فعل (*suppose*) نیاز به مفعول (*himself*) است. نتیجه می‌گیریم که در برگردان ادبی متن به زبان فارسی، مترجم مستقل از ساختار زبان مبدأ عمل کرده است:

“... he declared he might almost have supposed himself in the small summer breakfast-parlour at Rosings.” (Austen, 2007: 65).

«وسعت و اندازه سالن و اثاثیه و مبلمان آن به‌طوری آقای کالینز را گرفت که اظهار داشت: می‌خواهم بگویم مثل اینکه در سالن کوچک تابستانی صبحانه‌خوری رزینگس نشسته‌ام.» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

حذف در کلمات تأکیدی مثل «*do*» که قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد نیز از مواردی است که در برگردان از متن مبدأ، مترجمان را دچار مشکل می‌کند و ممکن است این‌گونه کاربرد خاص کلمات در ترجمه در معرض حذف قرار گیرد. برای مثال، در ترجمه قطعه ادبی زیر،



کلمه «do» در برگردان متن حذف شده است:

“When I do myself the honor of speaking to you next on this subject I shall hope...” (Austen, 2007: 92).

«امیدوارم وقتی برای بار دوم افتخار تجدید تقاضای خود را داشته باشم...» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

در ساختار زبانی متن مبدأ کلماتی وجود دارند که نشان‌دهنده واقعه‌ای در گذشته و یا آینده هستند؛ در حوزه زبان‌شناسی، به این کلمات «پیش‌انگاشت»^{۲۶} می‌گویند. در این حالت، گوینده و یا نویسنده از کلمات و یا عباراتی استفاده می‌کند که در دل خود معانی نهفته دارد و می‌تواند به مخاطب کمک کند تا فراسوی آنچه را که گفته شده، بفهمد و به جزئیات متن بهتر پی ببرد. جمله زیر بیانگر این موضوع است (Yule, 2006: 117):

Your brother is waiting outside.

برادرت بیرون منتظر است.

جمله بالا این پیش‌فرض را در ذهن پدید می‌آورد که مخاطب حتماً برادری دارد و اگر جمله نیز منفی شود، این پیش‌پندار که «فرد برادری دارد» ثابت باقی می‌ماند. در ترجمه فارسی جمله ذیل مبنی بر اینکه «برادرت بیرون منتظر نیست»، تصور «داشتن برادر» از بین نمی‌رود:

Your brother is NOT waiting outside (you still have a brother).

برادرت بیرون منتظر نیست (با وجود منفی شدن جمله، پیش‌فرض داشتن برادر ثابت مانده است).

ترجمه این‌گونه جمله‌ها به مهارت نیاز دارد. برای مثال، ترجمه فارسی جمله زیر از رمان *غرور و تعصب* این‌گونه آمده است:

“...and others of the regiment, who treated her with more distinction, again became her favorites.” (Austen, 2007: 236).

«و افراد دیگر از هنگ که توجه بیشتری به او معطوف می‌داشتند مورد توجه و محبتش واقع شدند.» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۳۴۶).

مترجم کلمه «دوباره» (again) را از ترجمه حذف کرده است. این کلمه تصویری در ذهن به‌وجود می‌آورد که نشان می‌دهد نویسنده در متن مبدأ قصد داشته این مفهوم پنهان را بیان کند که «لیدیا»- شخصیتی که جمله بالا به آن اشاره می‌کند- قبلاً افراد دیگری از هنگ را مورد توجه خودش قرار داده است. به بیان دیگر، این بار اولش نیست که افراد هنگ مورد توجه او قرار گرفته‌اند. در متن ترجمه‌شده این تصویر به خواننده منتقل نمی‌شود؛ ولی در

متن اصلی بدون شک این تأثیر در مخاطب به وجود می‌آید که می‌تواند در شکل دادن داستان نقش بسزایی داشته باشد.

در زبان‌هایی مثل انگلیسی - که جزء زبان‌های فاعل‌تهی^{۲۷} نیستند - ضمیرها باید به صورت آشکار در جمله بیان شوند (White, 2003) و رعایت نکردن آن باعث اختلال در ساختار جمله می‌شود و با قواعد انگلیسی مغایرت دارد. برخلاف آن، در زبان فارسی گذاشتن «او» در جمله بدون مشخص کردن مرجع، باعث ابهام در فهم جمله می‌شود (Ibid: 5) (جمله‌ای که با علامت * نشان داده شده، از لحاظ قواعد زبان انگلیسی اشتباه است):

a. John believes that he is intelligent.

b. *John believes that - is intelligent.

در جمله «b» حذف ضمیر «he» باعث به وجود آمدن خطای دستوری شده است؛ به این معنا که نمی‌توان ضمیر «he» را در جمله دوم حذف کرد (در زبان‌های فاعل‌تهی می‌شود ضمیر را حذف کرد). ولی در زبان فارسی عکس این موضوع صدق می‌کند و گاهی قرار دادن ضمیر «او» باعث ابهام در فهم جمله می‌شود:

الف. جان عقیده دارد که او باهوش است.

ب. جان عقیده دارد که باهوش است.

در جمله «الف»، برای مخاطب این ابهام پیش می‌آید که آیا «خود جان باهوش است» و یا اینکه «جان هوش فرد دیگری را مورد ستایش قرار می‌دهد». ولی در جمله «ب»، این ابهام با حذف ضمیر «او» برطرف می‌شود. در مقام ذکر علت، می‌توان به این نتیجه رسید که «حذف» در ترجمه از نیازهای اصلی برای شفاف‌سازی متن مبدأ است که باید با توجه دقیق صورت گیرد؛ زیرا رعایت نکردن آن در برخی بافت‌ها باعث ابهام می‌شود و استفاده نادرست از آن می‌تواند در پیام متن تأثیر بگذارد.

با وجود این، آنچه به مترجم اجازه می‌دهد تا فرایند اقتباس را در ترجمه خود به کار گیرد، استفاده از روش‌های ارائه شده در سطح فرامنتی است. در این سطح، مترجم از حوزه زبان‌شناسی متن خارج می‌شود و به جنبه‌های فرازبانی متن می‌پردازد تا بتواند از طریق شناخت نیازهای مخاطب، ترجمه‌ای شفاف و مطلوب ارائه دهد. در بند زیر، روش‌های فرامنتی اقتباس در ترجمه فارسی رمان بررسی شده است:

“In spite of her deeply-rooted dislike, she could not be insensible to the compliment of such a man’s affection, and though her intentions did not vary for an instant, she was at first sorry for the pain he was to receive (1); till, soused to resentment by his subsequent language, she lost all compassion (2) in anger. She



tried, however, to compose herself (3) to answer him with patience, when he should have done (4).” (Austen, 2007: 163).

«علی‌رغم تنفر عمیقی که الیزابت نسبت به داریسی داشت نمی‌توانست از ارزش و اهمیت احساسات و عشق چنین مردی متأثر نشود و اگرچه این تأثر در تصمیم و نیت و نظری که نسبت به داریسی داشت تغییری نداد، ولی ابتدا از فکر رنج و ناراحتی که داریسی تحمل کرده و اکنون هم جواب منفی او مزید بر آن می‌شود (۱) متأسف و متأثر بود. ولی ادامه صحبت داریسی آتش کینه در دلش برافروخت و احساسات شفقت‌آمیز او را مبدل به کدورت و خشم کرد (۲). با وجود این سعی کرد که بر خشم خود غلبه کند (۳) و وقتی نوبت او فرارسد (۴) با صبر و تحمل جواب داریسی را بدهد.» (مصاحب، ۱۳۷۶: ۲۴۴-۲۴۵).

مواردی که در ترجمه فارسی متن مبدأ مشخص شده است (زیر آن خط کشیده شده)، نشان می‌دهد مترجم در برگردان متن، گاه باید از سطح زبان‌شناختی متن فرارفته، به ویژگی‌های فرامتنی بپردازد. در ترجمه متن بالا از روش‌های «بسط» و «برابری متنی» برای انتقال بهتر مفاهیم استفاده شده است. تفاوت روش «بسط» با روش «برابری بافتی» در این است که در نوع اول همانندسازی، مترجم تغییراتی در ترجمه می‌دهد که حتی جمله مشابه آن در بافت مقصد وجود ندارد. برای نمونه، همان‌طور که در جدول شماره یک دیده می‌شود، عبارت «نسبت به داریسی داشت» در متن مقصد وجود دارد که در سطح متنی یا زبان‌شناختی متن اصلی، جمله‌ای که بیانگر این عبارت باشد یافت نمی‌شود. ولی در نوع برابری بافتی اقتباس یا همانندسازی، مشابه متن تغییر یافته در سطح زبان‌شناختی متن اصلی وجود دارد. برای مثال، عبارت «when he should have done» در متن مقصد به «وقتی نوبت او فرارسد» ترجمه شده است. در این موقعیت ترجمه لفظ به لفظ نمی‌تواند به مخاطب در فهم مطلب کمکی کند و مترجم با فهم کلی از داستان و موقعیت، تغییراتی در ترجمه داده است. در متن ترجمه شده - که پیشتر ذکر شد - مواردی می‌توان یافت که مترجم بدون توجه به ویژگی‌های زبان‌شناختی متن، مواردی را در ترجمه ذکر کرده تا بتواند به ترجمه فصاحت بیشتری ببخشد.

در ترجمه فارسی، از روش «بسط» استفاده شده تا با ارائه اطلاعات بیشتر در ترجمه به زبان مقصد، بتوان تا حد امکان از ابهام در متن اصلی جلوگیری کرد. در روش «بسط» نمی‌توان جمله‌ای در متن اصلی پیدا کرد که ترجمه فارسی آن را دربرگیرد؛ بنابراین مترجم در برگردان متن به تشخیص خود از این روش استفاده کرده است تا پیام متن را شفاف‌تر انتقال دهد. اما در روش «برابری بافتی»، مترجم با توجه به دانش خود از زبان مقصد از موقعیتی مشابه استفاده می‌کند تا بتواند مفهوم نویسنده را با توجه به لحاظ کردن

ویژگی‌های فرهنگی و بافتی غالب در متن مقصد انتقال دهد. این روش تأثیر ژرف‌تری بر مخاطب می‌گذارد و باعث طبیعی جلوه دادن متن ترجمه‌شده می‌شود. برخلاف روش بسط، در روش برابری بافتی، معادل جملات ترجمه‌شده در متن اصلی دیده می‌شود؛ ولی روش بیان کردن آن‌ها از ترجمه لفظ به لفظ فراتر رفته، بیشتر به ترجمه آزاد تمایل دارد. نمونه‌ای از روش‌های اقتباس به کار گرفته‌شده در متن را در جدول شماره یک ذکر کرده‌ایم:

جدول ۱ بررسی ترجمه‌ها در سطح فرامتنی فرایند اقتباس

اقتباس در سطح فرامتنی (global)		
روش‌های اقتباس	نمونه‌ها در متن مقصد	نمونه‌ها در متن مبدأ
برابری بافتی	و اکنون هم جواب منفی او مزید بر آن می‌شود	For the pain he was to receive
	مبدل به کدورت و خشم کرد	She lost all compassion
	بر خشم خود غلبه کند	To compose herself
	وقتی نوبت او فرارسد	When he should have done
بسط	نسبت به داری داشت	نمونه در متن مبدأ وجود ندارد. در این روش مترجم برای جلوگیری از ابهام در متن مقصد تغییراتی را لحاظ می‌کند که در حوزه زبان‌شناختی متن نمی‌توان معادلی برای آن پیدا کرد.
	این تأثر	
	از فکر رنج و ناراحتی	
	که داری تحمل کرده	

در جایی دیگر، مترجم از برابری بافتی استفاده کرده است تا زبان متن شفاف‌تر و روان‌تر شود:

“It is a truth (1) universally acknowledged (2) that a single man in possession of a good fortune (3), must be in want of a wife (4).” (Austen, 2007: 3).

«صغیر و کبیر فرضشان این است (۱، ۲) که مرد مجرد پول‌پله‌دار (۳) قاعدتاً زن می‌خواهد (۴)» (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۱).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مترجم در برگردان متن، عبارت «It is a truth» را حذف و



به جای آن از عبارت «فرضشان این است» استفاده کرده است. همچنین واژه «universally» را با روش برابری بافتی بازنویسی و به صورت «صغیر و کبیر» ترجمه کرده است. از برابری بافتی برای برگردان عبارت‌های سه و چهار نیز استفاده کرده است. عبارت «پول‌وپله‌دار» و «زن می‌خواهد» تصویر بهتری را برای خواننده به نمایش می‌گذارد. استفاده از ترجمه لفظ به لفظ در برگردان عبارت‌های سه و چهار از تأثیرگذاری ترجمه می‌کاهد.

“However (1) little known the feelings or views of such a man may be on his first (2) entering a neighbourhood, this truth is so well fixed (3) in the minds of the surrounding families (4), that he is considered as the rightful property (5) of some one or other of their daughters.” (Austen, 2007: 3).

«وقتی چنین مردی وارد محل جدیدی می‌شود، هر قدر هم که احساسات یا عقایدش ناشناخته باشد، چنان این فرض در ذهن خانواده‌های اطراف (۴) جا افتاده (۳) است که او را حق مسلم (۵) یکی از دخترهای خود می‌دانند.» (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۱).

در این بند نیز مترجم برخی روش‌های اقتباس را در برگردان متن به کار برده است. در ترجمه متن، کلمه «however» را حذف کرده است؛ به این دلیل که نادیده گرفتن آن مانعی برای انتقال مفهوم نیست. کلمه «first» نیز را از ترجمه حذف کرده؛ زیرا حشو است و عبارت «محل جدید» به روشنی دربرگیرنده معنای کلمه «first» است. در ترجمه عبارت‌های سه و پنج، از برابری بافتی استفاده کرده است تا هرچه بهتر و زیباتر بتواند مفهوم پیام نویسنده را به زبانی شفاف انتقال دهد. عبارت چهار نیز نمونه‌ای از ترجمه لفظ به لفظ است.

“My dear, you flatter me (1). I certainly have had my share of beauty (2), but I do not pretend to be anything extraordinary (3) now. When a woman has five grown-up (4) daughters, she ought to give over thinking of her own beauty (5).” (Austen, 2007: 3-4).

«عزیزم، تو لطف داری (۱). البته من یک زمانی بدک نبودم (۲)، اما حالا که ادعایی ندارم (۳). زنی که پنج تا دختر گنده (۴) دارد که دیگر به فکر خوشگلی خودش نیست (۵).» (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۲).

مترجم در ترجمه عبارت یک از برابری بافتی استفاده کرده است. مفهوم کلمه have در متن ترجمه شده نشان داده نشده است. از آنجا که کلمه به صورت مورب نوشته شده است، معنای تأکید را می‌رساند؛ ولی در ترجمه متن کلمه‌ای که این تأکید را نشان دهد وجود ندارد. کلمه have که به صورت مورب نوشته شده است، به نحوی «غرور و خودبینی» آن فرد را نشان می‌دهد. در ترجمه عبارت سه، از برابری بافتی استفاده کرده است. کلمه grown-up نیز «گنده» ترجمه کرده که از لحاظ بافت و معنا صحیح نیست. کلمه «گنده» حجم را نشان

می‌دهد؛ درحالی که در متن مبدأ مقصود نویسنده از به‌کارگیری کلمه grown-up، «بالغ بودن» است. همچنین مترجم کلمه ought to را از ترجمه حذف کرده است. در ترجمه عبارت پنج، از ترجمه لفظ به لفظ استفاده کرده است. در ادامه، جدول توزیع فراوانی روش‌های اقتباس به‌کاررفته در شصت بند از رمان آمده است.

جدول ۲ توزیع فراوانی‌های روش اقتباس در ترجمه فارسی شصت بند
از رمان غرور و تعصب

روش‌های اقتباس یا همانندسازی در ترجمه متن						
سطح فرامتنی (ویژگی‌های جهان‌شمول ترجمه)				سطح متنی (ویژگی‌های زبان‌شناختی ترجمه)		
تولید	برابری بافتی	به‌روزرسانی	غرابت‌زدایی	بسط	حذف	ترجمه لفظ به لفظ
۰	۲۸۵	۰	۰	۲۱۰	۱۰۵	۲۴۰

بر اساس جدول شماره دو، روش‌های «غرابت‌زدایی»، «به‌روزرسانی» و «تولید» در برگردان متن‌ها به زبان فارسی دیده نمی‌شود؛ زیرا مترجم در نظر داشته است فضای حاکم بر متن اصلی را بر هم نزند تا بتواند در موقعیتی مشابه پیام داستان را منتقل کند. برای مثال، در روش «تولید»، مترجم باید ویژگی‌های زبان‌شناختی متن اصلی را کنار گذاشته، فقط با لحاظ کردن معنای متن اصلی، داستان را بازنویسی کند. در روش «غرابت‌زدایی» نیز هیچ موردی دیده نمی‌شود. یکی از علل عدم استفاده از این روش، سلیس و روان بودن زبان متن رمان است که توانسته از زبان شخصیت‌های داستان هدف خود را بیان کند. از دیگر علل به‌کار نبردن این روش می‌توان به وفاداری مترجم به متن اصلی اشاره کرد. داستان در موقعیت زمانی خاصی اتفاق افتاده است و همان‌طور که دیده می‌شود، زمان آفرینش داستان بر شخصیت‌ها تأثیر گذاشته است. به همین دلیل، رعایت ویژگی‌های زمانی رمان اهمیت دارد. این دلیل برای اجتناب از روش «به‌روزرسانی» نیز صدق می‌کند. از سوی دیگر، تنها توجه به ترجمه لفظ به لفظ از زیبایی و انتقال پیام اصلی متن کاسته و ارزش کلام نویسنده را نشان نمی‌دهد. تفاوت معنایی دو جمله زیر که از لحاظ ساختار یکسان‌اند، این موضوع را آشکارتر می‌کند:

1. I didn't steal the money.
2. I didn't steal the money.



از لحاظ ترجمه لفظ به لفظ، معنای هر دو جمله یکسان است؛ ولی با توجه به تأکید نویسنده، معنای جمله نیز تغییر می‌کند. در جمله اول، با توجه به تأکید بر کلمه «I»، نویسنده قصد دارد این پیام را برساند که «شخص دیگری پول را دزدیده»؛ ولی در جمله دوم، تأکید بر کلمه «money» باعث تغییر معنا شده است. نویسنده در جمله دوم قصد دارد این پیام را انتقال دهد که «شخص پول را ندزدیده؛ بلکه چیز دیگری را دزدیده است». بنابراین، اقتباس برای جلوگیری از ابهام در ترجمه ضروری است.

بر اساس جدول شماره دو می‌توان نتیجه گرفت ویژگی‌های متنی و فرامنتی که در فرایند اقتباس وجود دارد، در ترجمه اثر ادبی نیز مشاهده می‌شود. با استفاده از روش‌های متنی و برخی روش‌های فرامنتی که در این تحقیق ارائه شد (جدول ۲)، مترجم می‌تواند اثری ادبی را با در نظر گرفتن پیام اصلی آن ترجمه کند؛ به گونه‌ای که شاخص‌های فرهنگی و زبانی نیز رعایت شود. مترجم متناسب با ویژگی‌های زبان‌شناختی و جهان‌شمول اقتباس می‌تواند در ترجمه متن تغییراتی ایجاد کند تا تفاوت‌های فرهنگی و زبانی را کاهش دهد (این کاربردها پیشتر در جدول شماره یک و دو ذکر شد). فراوانی هریک از روش‌ها نیز در جدول شماره دو آمده است؛ به این ترتیب که در سطح متنی از «ترجمه لفظ به لفظ» (۲۴۰ مورد) و در سطح فرامنتی اقتباس از «برابری بافتی» (۲۸۵ مورد) بیشترین استفاده شده است. بنابراین، ویژگی‌های جهان‌شمول ترجمه بیشترین تأثیر را بر ترجمه اثر ادبی مورد مطالعه این پژوهش داشته است.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش جایگاه و روش‌های اقتباس را در ترجمه انگلیسی به فارسی رمان *غرور و تعصب* بررسی کردیم. این رمان یکی از بی‌نظیرترین رمان‌های ادبیات انگلیس است (Brower, 1958) که توانسته ویژگی‌های فرهنگی مردم عامیانه زمان خودش را به شکلی طبیعی در داستان جلوه دهد. این داستان، تفکرات و گرایش‌های افرادی را در جریان عادی زندگی به نمایش گذاشته و طرح داستان در مارپیچ زندگی آن‌ها شکل گرفته است.

برای بررسی روش‌های اقتباس از طبقه‌بندی باستین (2009) استفاده شد. در این طبقه‌بندی هفت بخش مختلف قرار دارد که می‌توان آن‌ها را در دو سطح متنی و فرامنتی گنجانده. با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان سؤال‌های این تحقیق را پاسخ داد. اقتباس برای حفظ فصاحت و زیبایی متن ترجمه شده امری لازم است. ویژگی‌های متنی و فرامنتی موجود در فرایند اقتباس در ترجمه

این رمان به‌کار رفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در برگردان متن مبدأ، از «ترجمه لفظبه‌لفظ» (۲۴۰ مورد) در سطح متنی و از «برابری بافتی» (۲۸۵ مورد) در سطح فرامتنی بیشترین استفاده شده است. از این اطلاعات می‌توان نتیجه گرفت در عین حال که مترجم امانت در ترجمه را رعایت کرده است، توانسته با استفاده از درک پیام نویسنده، تغییرات لازم را برای انتقال هرچه بهتر پیام نویسنده انجام دهد. روش‌های اقتباس گاهی به ویژگی‌های زبان‌شناختی وابسته است. برای مثال، اگر در جمله‌ای کاربرد یکی از روش‌های اقتباس باعث رفع ابهام شود، احتمال استفاده از آن بیشتر است. همچنین، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد «ویژگی‌های جهان‌شمول ترجمه» در ترجمه آثار ادبی نقش بسزایی دارد. همچنین، اقتباس و ترجمه به یک معنا نیستند؛ بلکه همان‌طور که محققان دیگر نیز تأکید کرده‌اند (خاوری، ۱۳۸۳) اقتباس جزء جداناپذیر ترجمه است که به حفظ زیبایی و رسایی متن ترجمه‌شده کمک می‌کند.

از دیدگاه برسلر (۲۰۰۷)، «زیبایی» از مشخصه‌های آثار ادبی است. بی‌شک، نویسنده از ابزارهای فرهنگی و زبانی ویژه‌ای برای انتقال این زیبایی استفاده می‌کند. ابعاد زیبایی‌شناختی آثار ادبی کار مترجم را بیش از پیش مشکل می‌کند. بدین منظور، به راهبردهای خاصی نیاز است تا از طریق آن بتوان زیبایی اثر ادبی را در ترجمه حفظ کرد. اقتباس یکی از ابزارهای مناسب برای حفظ زیبایی موجود در آثار ادبی ترجمه‌شده است. بدون استفاده از این فن، متن ترجمه‌شده مصنوعی و بی‌جان به‌نظر می‌رسد. در برگردان متن دیده شد که روش‌هایی مثل «برابری بافتی» و «بسط» این امکان را برای مترجم فراهم می‌کند تا زیبایی ادبی را از متن مبدأ به متن مقصد انتقال دهد.

روش اقتباس محدودیت‌هایی نیز دارد؛ برای مثال، دانستن اینکه دانش و انتظارات مخاطب تا چه حدی است و متناسب بودن متن ترجمه‌شده با ویژگی‌های فرهنگی و اهداف مخاطب دشوار است. افزون بر این، مترجم باید دانش زیادی به زبان مقصد داشته باشد تا بتواند بهترین و مناسب‌ترین نوع بافت را برای انتقال معنا استفاده کند. همچنین، معنا و اهداف بافت متن مبدأ و مقصد باید همسو باشد و رسیدن به این مهم آسان نیست. در پایان، یادآوری می‌کنیم مطالعات مربوط به «اقتباس» در مراحل اولیه رشد خود قرار دارد و این تحقیق فقط بررسی اقتباس در رمان *غرور و تعصب* نیست؛ بلکه انگیزه‌ای برای انجام تحقیقات بیشتر در آثار ترجمه‌شده است تا بتوان به شاخص‌های ادبی و زبانی فرهنگ‌ها بیشتر پی برد و به آن‌ها ارج نهاد. همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، اقتباس ضروری است و رعایت نکردن آن در ترجمه، به‌ویژه ترجمه آثار ادبی، ممکن است باعث ابهام شود.



۷. پی‌نوشت‌ها

1. adaptation
2. Bastin
3. Sanders
4. appropriation
5. Rigg
6. Taylor
7. Guillemin
8. localization
9. House
10. cultural filter
11. Newmark
12. Coseriu
13. cross-code breakdown
14. situational or cultural inadequacy
15. genre switching
16. disruption of the communication process
17. transcription of the original
18. omission
19. expansion
20. exoticism
21. updating
22. situational equivalence
23. creation
24. anaphoric
25. antecedent
26. presupposition
27. null subject

۸. منابع

- اوستین، جین (۱۳۸۵). *غرور و تعصب*. ترجمه رضا رضایی. تهران: نشر نی.
- خاوری، سیدخسرو (۱۳۸۳). «از واژه به مفهوم: اقتباس یا ترجمه ادبی». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱۸. صص ۸۳-۹۶.
- فهیم، منصور (۱۳۸۵). «ترجمه آزمون‌های بین‌المللی: آمار در ترجمه». *مطالعات ترجمه*. ش ۴ (پیاپی ۱۶). صص ۷۹-۸۸.
- Allalouf, A. & P. Hanani (2010). "Test translation and adaptation" in

International Encyclopedia of Education. Pp. 166-169.

- Austen, J. (2007). *Pride and prejudice*. Hertfordshire: Wordsworth Editions Limited.
- _____ (1376/ 1997). *Pride and prejudice*. Tr. ShamsolMolok Masaheb. Tehran: Jami Publication.
- Bastin, G. L. (2009). "Adaptation" in M. Baker & G. Saldanha (Eds.). *Routledge encyclopedia of translation studies*. (2nd). NY: Taylor & Francis.
- Bressler, C. E. (2007). *Literary criticism: An introduction to theory and practice*. 4th Ed. New Jersey: Pearson Education Inc.
- Brower, R. A. (1958). *Light and Bright and Sparkling: Irony and Fiction in Pride and Prejudice* In his The Fields of Light. Oxford University Press.
- Coseriu, E. (1977). *El hombre y su lenguaje*. Madrid: Gredos.
- Guillemin, F., C. Bombardier & D. Beaton (1993). "Cross-cultural adaptation of health-related quality of life measures: Literature review and proposed guidelines". *Journal of Clinical Epidemiology*. 46 (12). Pp. 1417-1432.
- Javadpour, N. & B. E. Zare (2009/ 1388). "A new strategy for translating classical English poetry: Milton's "Blindness" revisited". *Translation Studies*. 7 (27). Pp. 5-24.
- House, J. (2001). "Translation quality assessment: Linguistic description versus social evaluation". *Meta*. 46 (2). Pp. 243-257.
- Kamali, M. J. (2008/ 1387). *Techniques de traduction (Français en Persan)*. SAMT Publication.
- Newmark, P. (1981). *Approaches to translation*. Oxford: Pergamon Press.
- Richards, J. C. (2005). *Interchange: Student's book 3*. 3rd Ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rigg, P. (1991). "Whole Language in TESOL". *TESOL Quarterly*. 25 (3). Pp. 521-542.
- Sanders, J. (2006). *Adaptation and Appropriation*. London: Routledge.



- Santoyo, J. C. (1989). "Traducciones y adaptaciones teatrales: Ensayo de una tipología". *Cuadernos de Teatro Classico*. 4. Pp. 96-115.
- Swales, J. M. (1990). *Genre analysis: English in academic and research setting*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, J. (1997). "La voix de la traduction". *Translitterature*. 14.
- Upton, C. (2000). *Moving target: Theatre translation and cultural relocation*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Vinay, J. & J. Darbelnet (1958). *Stylistique comparée du français et de l'anglais*. Paris: Didier.
- White, L. (2003). *Second language acquisition and universal grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yule, G. (2006). *The study of language*. 3rd Ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zatlin, P. (2005). *Theatrical translation and film adaptation: A practitioner's viewpoint*. Clevedon: Multilingual Matters.